

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ تَبَلُّجِهِ، وَسَرَحَ قِطْعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِغَيَاحِهِ
تَجَلُّجِهِ، وَاتَّقَنَ صُنْعَ الْفَلَكَ الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ تَبَرُّجِهِ، وَشَعَشَعَ ضِيَاءَ الشَّمْسِ بِنُورِ تَأَجُّجِهِ، يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ
بِذَاتِهِ، وَتَنَزَّهَ عَنْ مُجَانَسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ، وَجَلَّ عَنْ مُلَائِمَةِ كَيْفِيَّاتِهِ، يَا مَنْ قَرَّبَ مِنْ خَطَرَاتِ الظُّنُونِ، وَبَعَدَ عَنْ لَحْظَاتِ
الْعُيُونِ، وَعَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ، يَا مَنْ أَرْقَدَنِي فِي مِهَادِ أَمْنِهِ وَأَمَانِهِ، وَأَيَّقَنِي إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ مَنَنِهِ وَ
إِحْسَانِهِ، وَكَفَّ أَكْفَ السُّوءِ عَنِّي بِيَدِهِ وَسُلْطَانِهِ؛

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است؛ خدایا، ای آن که زبان صبح را به گویایی تابش و
روشنایی‌اش بیرون آورد و قطعه‌های شب تار را با تیرگی‌های شدید به هم پیچیده‌اش به اطراف جهان فرستاد و
ساختمان سپهر گردون را در اندازه‌های زیبایش محکم ساخت و پرتو خورشید را به روشنایی شعله‌ورش در
همه‌جا برافروخت، ای آن که ذاتش بر ذاتش دلیل است و از شباهت و همگونی با آفریدگانش منزّه است و قدر و
مقامش از سازگاری با کیفیات مخلوقاتش برتر است، ای آن که به باورهای گذرا بر دل نزدیک و از چشم‌انداز
دیدگان سر دور است و آنچه را هستی یافت پیش از آنکه پدید آید می‌داند، ای آن که مرا در گاهواره امن و
امانش خوابانید و به سوی آنچه از نعمت‌ها و احسانش که بی‌دریغ به من بخشید، بیدارم کرد و دست‌های حوادث
و آفات را با دست لطف و قدرتش از من بازداشت؛

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى الدَّلِيلِ إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ الْأَلِيلِ، وَالْمَاسِكِ مِنْ أَسْبَابِكَ بِحَبْلِ الشَّرَفِ الْأَطْوَلِ، وَالنَّاصِعِ الْحَسَبِ فِي
ذِرْوَةِ الْكَاهِلِ الْأَعْبَلِ، وَالثَّابِتِ الْقَدَمِ عَلَى زَحَالِيفِهَا فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ، وَعَلَى إِلَهِ الْأَخْيَارِ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَبْرَارِ، وَأَفْتَحِ
اللَّهُمَّ لَنَا مَصَارِيحَ الصَّبَاحِ بِمَفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ وَالْفَلَاحِ، وَالْبِسْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَفْضَلِ خَلْعِ الْهَدَايَةِ وَالصَّلَاحِ، وَأَغْرِسِ
اللَّهُمَّ بَعْظَمَتِكَ فِي شَرْبِ جَنَانِي يَنَابِيعَ الْخُشُوعِ، وَأَجْرِ اللَّهُمَّ لِهَيْبَتِكَ مِنْ أَمَاقِي زَفَرَاتِ الدُّمُوعِ، وَادَّبِ
اللَّهُمَّ نَزَقَ الْخُرْقِ مِنِّي بِأَرْزَمَةِ الْقُنُوعِ؛

خدایا، درود فرست به آن راهنمای به سویت در شب تیره و تار جاهلیت و آن چنگ زننده از میان ریسمان‌های
به بلندترین رشته‌ی شرف و آن دارنده‌ی حسب پاک و ناب که برگرده استوارترین روش برجستگی و برتری قرار
دارد و آن ثابت قدم در لغزشگاه‌های دوران پیش از بعثت و نیز بر خاندان او که بهترین انتخاب‌شدگان و
برگزیدگان و نیکانند. خدایا! درهای روز را با کلیدهای رحمت و رستگاری به روی ما بگشا و بر من از بهترین
پوشش‌های هدایت و صلاح بیوشان، به عظمت در آبشخور قلبم چشمه‌های فروتنی را بجوشان و در برابر حرمت
و ارجمندی‌ات از گوشه‌های دیدگانم روده‌های اشک سوزان جاری ساز و مرا از بی‌پروایی و نادانی به مهارهای
قناعت و خواری ادب فرما؛

إِلٰهُيْ إِنْ لَمْ تَبْتَدِئْنِي الرَّحْمَةُ مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ، فَمَنْ السَّالِكُ بِي إِلَيْكَ فِي وَاضِحِ الطَّرِيقِ؟ وَإِنْ أَسْلَمْتَنِي أَنْتَ لِقَائِدِ الْأَمَلِ وَالْمُنَى، فَمَنْ الْمُقِيلُ عَثْرَاتِي مِنْ كِبَوَاتِ الْهَوَى؟ وَإِنْ خَذَلَنِي نَصْرُكَ عِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ، فَقَدْ وَكَلَنِي خِذْلَانُكَ إِلَيَّ، حَيْثُ النَّصَبِ وَالْجِرْمَانِ؛ خدایا اگر رحمت تو با توفیق نیکو از ابتدا شامل حال من نبود چه کسی رهنمای من به سویت در این راه روشن می‌بود؟ و اگر مهلت مرا تسلیم آمال و آرزوهای باطل کند، آنگاه چه کسی لغزش‌هایم را از فروافتادن در هوای نفس جبران می‌کند؟ و اگر به هنگام جنگ با نفس و شیطان، حمایت و یاری‌ات مرا واگذارد، این حمایت نکردنت مرا در آغوش رنج و محرومیت اندازد؛ إِلٰهُيْ أَتَرَانِي مَا أَتَيْتَكَ إِلَّا مِنْ حَيْثُ الْأَمَلِ، أَمْ عَلَقْتُ بِأَطْرَافِ حِبَالِكَ إِلَّا حِينَ بَاعَدْتَنِي ذُنُوبِي عَنْ دَارِ الْوَصَالِ، فَبُسَّ الْمَطِيَّةُ الَّتِي امْتَطَتُ نَفْسِي مِنْ هَوَاهَا، فَوَاهَا لَهَا لِمَا سَوَّلَتْ لَهَا طُنُونُهَا وَمَنَاهَا، وَتَبَّأَ لَهَا لِحِرَاتِهَا عَلَى سَيِّدِهَا وَمَوْلَاهَا. إِلٰهُيْ قَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِكَ بِيَدِ رَجَائِي، وَهَرَبْتُ إِلَيْكَ لَا جِئًا مِنْ قَرْطِ أَهْوَائِي، وَعَلَقْتُ بِأَطْرَافِ حِبَالِكَ أَنْأَمِلَ وَلَا أُبْئِي، فَاصْفَحِ اللَّاهِمَّ عَمَّا كُنْتُ أَجْرَمْتُهُ مِنْ زَلَلِي وَخَطَائِي، وَأَقْلِنِي مِنْ صَرَعَةِ رِدَائِي، فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي؛

خدای من، می‌بینی که به پیشگاهت نیامدم مگر از جهتی که نسبت به رحمت آرزوها داشتم، یا چنگ نزدم به اطراف رشته‌ی استوارت مگر آنگاه که گناهانم مرا از خانه وصال تو دور ساخت، پس چه بد مرکبی است مرکب خواسته‌های باطل که نفسم بر آن سوار شده، وای بر این نفس که گمان‌های بی‌مورد و آرزوهای نابجایش با همه زشتی در برابرش زیبا جلوه کرده! و مرگ بر او که بر ضد سرور و مولایش جرأت نموده! خدایا با دست امید در رحمت را کوبیدم و از کثرت هوسرانی‌ام به پناهندگی به سویت گریختم و به کناره‌های رشته استوارت انگشتان محبّتم را آویختم. خدایا از آنچه در گذشته مرتکب شدم، از لغزش و خطایم چشم‌پوشی کن و از درافتادن به جامه تنگ گناه رهایم ساز که به یقین تویی سرور و مولا و پشتیبان و امید من؛

وَأَنْتَ غَايَةُ مَطْلُوبِي وَمَنَآيَ فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ. إِلٰهُيْ كَيْفَ تَطَرَّدُ مِسْكِينًا التَّجَا إِلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ هَارِبًا؟ أَمْ كَيْفَ تَحْيَبُ مُسْتَرْشِدًا قَصْدَ إِلَيَّ جَنَابِكَ سَاعِيًا؟ أَمْ كَيْفَ تَرُدُّ ظَمَانًا وَرَدَّ إِلَيَّ حِيَاضِكَ شَارِبًا؟ كَلَّا وَحِيَاضُكَ مُتْرَعَةٌ فِي ضَنْكِ الْمُحُولِ، وَبَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ وَالْوُغُولِ، وَأَنْتَ غَايَةُ الْمَسْئُولِ وَنَهَايَةُ الْمَأْمُولِ. إِلٰهُيْ هَذِهِ أَرْزَمَةُ نَفْسِي عَقَلْتُهَا بِعِقَالِ مَشِيَّتِكَ، وَهَذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِي دَرَأْتُهَا بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَهَذِهِ أَهْوَائِي الْمُضِلَّةُ وَكَلَّتُهَا إِلَيَّ جَنَابِ لُطْفِكَ وَرَأْفَتِكَ؛

و تویی منتهای خواسته و آرزوی من، در دنیا و آخرت، خدای من چسان درمانده‌ای را که در حال گریز از گناهان خویش به تو پناه بسته از خود می‌رانی؟ یا چگونه رهجویی را که شتابان قصد آستانات را کرده ناامید می‌کنی؟ یا چگونه تشنه‌ای را که وارد حوض‌های شده باز می‌گردانی؟ البته که چنین نخواهی کرد زیرا

حوض‌های رحمت در سخت‌ترین خشک‌سالی‌ها لبریز و درگاه لطف همواره برای درخواست وارد شدن باز است، تویی منتهای خواسته و نهایت آرزو. خدای من، این مهار نفس من است که به پایبند مشیت بستم و این بارهای سنگین گناهان من است که به پیشگاه گذشت و رحمت انداختم و این هوس‌های گمراه‌کننده‌ی من است که به درگاه لطف و مهرت واگذاشتم؛

فَاجْعَلِ اللّٰهُمَّ صَبَاحِي هَذَا نَازِلًا عَلَيَّ بِضِيَاءِ الْهُدٰى ۚ وَبِالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا، وَمَسَائِي جُنَّةً مِنْ كَيْدِ الْعَدٰى ۚ وَوَقَايَةً مِنْ مُرَدِّيَاتِ الْهَوٰى ۚ، إِنَّكَ قَادِرٌ عَلٰى ۚ مَا تَشَاءُ، ﴿تَوْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ، وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلٰى ۚ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، تُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ، وَتُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ، وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَتَرزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾، لَيْلٌ ۚ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانِكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، مَنْ ذَا يَعْرِفُ قَدْرَكَ فَلَا يَخَافُكَ، وَمَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا أَنْتَ فَلَا يَهَابُكَ؛

خدایا! این صبح مرا آن‌گونه آغاز کن که با پرتو هدایت و با سلامت دین و دنیا همراه باشد و شبم را سپری ساز از نیرنگ دشمنان و نگاهبانی کن از هلاکت‌های هوای نفس که به یقین تو به هر چه بخواهی توانایی، «هرکه را بخواهی حکومت می‌بخشی و از هرکه بخواهی حکومت [داده شده] را می‌ستانی و هرکه را بخواهی عزت می‌دهی و هرکه را بخواهی خوار و بی‌مقدار می‌کنی، هر خیری به دست توست، مسلماً تو بر هر کاری توانایی؛ شب را در روز و روز را در شب فرو می‌بری و زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آوری و هرکه را اراده کنی بی‌حساب روزی می‌دهی» معبودی جز تو نیست. خدایا! تنها تو را منزّه می‌دارم و سپاس و ستایش می‌گویم، کیست که قدر تو را بشناسد و از مقام تو نترسد؟ و کیست که بداند تو کیستی آنگاه از تو نهراسد؟

أَلْفَتْ بِقُدْرَتِكَ الْفِرْقَ، وَفَلَقْتَ بِلُطْفِكَ الْفَلَقَ، وَأَنْزَلْتَ بِكَرَمِكَ دِيَاغِي الْغَسَقِ، وَأَنْهَرْتَ الْمِيَاهَ مِنَ الصَّمِّ الصَّيَاخِيدِ عَذْبًا وَأَجَاغًا، وَأَنْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا، وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِلْبَرِّيَّةِ سِرَاجًا وَهَاجًا، مِنْ غَيْرِ أَنْ تُمَارِسَ فِيمَا ابْتَدَأْتَ بِهِ لُغُوبًا وَلَا عِلَاجًا، فَيَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ وَالْبَقَاءِ، وَقَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَتْقِيَاءِ، وَاسْمَعْ نِدَائِي؛

با قدرت خود پراکنده را الفت بخشیدی و با مهربانی‌ات سپیده‌دم را شکافتی و با بزرگواری‌ات تاریکی‌های شب را روشن کردی و آب‌های شیرین و شور را از دل سنگ‌های سخت و خارا جاری ساختی و از ابرهای گران بارانی فراوان فروریختی و خورشید و ماه را برای مردمان چراغی فروزان قرار دادی، بی‌آنکه در آنچه آغازگر پیدایشش بودی دچار خستگی و ناتوانی و چاره‌جویی شوی، ای آن‌که در توانمندی و بقا یگانه است و بندگان را به مرگ و فنا مقهور خود ساخته است، درود فرست بر محمد و خاندان پرهیزگارش و ندای مرا بشنو؛ وَاسْتَجِبْ دُعَائِي،

وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَرَجَائِي، يَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ لِكَشْفِ الضَّرِّ، وَالْمَأْمُولِ لِكُلِّ عُسْرٍ وَيُسْرٍ، بِكَ أَنْزَلْتَ حَاجَتِي فَلَا
تَرُدَّنِي مِنْ سَنِي مَوَاهِبِكَ خَائِبًا، يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيَّ خَيْرِ
خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

دعایم را اجابت کن و به فضل خود آرزو و امیدم را محقق فرما، ای بهترین کسی که برای برطرف ساختن هر
بدحالی خوانده شده و برای هر سختی و آسانی آرزو شدی، نیازم را به پیشگاه تو فرود آوردم، پس از موهبت‌های
بلندپایه خود ناامیدانه ردم مکن ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار، به رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان و درود
خدا بر بهترین آفریده‌اش محمد و همه اهل بیت او

إِلٰهِي قَلْبِي مَحْجُوبٌ، وَنَفْسِي مَعْيُوبٌ، وَعَقْلِي مَغْلُوبٌ، وَهَوَائِي غَالِبٌ، وَطَاعَتِي قَلِيلٌ، :آنگاه به سجده رود و بگوید
وَمَعْصِيَتِي كَثِيرٌ، وَ لِسَانِي مُقَرَّبٌ بِالدُّنُوبِ، فَكَيْفَ حِيلَتِي يَا سَتَّارَ الْغُيُوبِ، وَيَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ، وَيَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ ؟ اغْفِرْ
دُنُوبِي كُلَّهَا بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

خدای من، دلم در پرده‌های ظلمت پوشیده شده و جانم دچار کاستی گشته و عقلم شکست خورده هوای نفسم .
شده و هوای نفسم بر من چیره گشته و طاعتم اندک و نافرمانیم بسیار و زبانم اقرارکننده به گناهان است، چاره
من چیست ای پرده‌پوش عیب‌ها؟ ای دانای نهان‌ها، ای برطرف‌کننده غم‌ها، همه گناهان مرا ببامرز، به احترام
محمد و خاندان محمد، ای آمرزنده، ای آمرزنده، ای آمرزنده به مهربانی‌ات، ای مهربان‌ترین مهربانان